

خانواده و کارکرد تربیتی آن در قرآن و روایات

محمد رضا شاهرودی: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران
زهرا فیضی^۱: کارشناس ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی
زهرا باقری: کارشناس ارشد، گروه علوم اجتماعی مطالعات زنان، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۷-۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۸/۱۹

چکیده

خانواده به عنوان نهادی تأثیرگذار در جهت‌تعلیم و تربیت انسان، در سال‌های اخیر با شکل‌های جدیدی مواجه شده که ارائه تعریفی ثابت از آن ضروری است. از سویی بسیاری بر این عقیده‌اند که با شکل‌گیری نهادهایی همچون مدرسه، کارکردهای تربیتی خانواده توسط سایر نهادها صورت می‌گیرد و همین امر جایگاه و منزلت خانواده را کاهش می‌دهد. این درحالی است که خانواده نقش‌هایی دارد که نهادهای دیگر نمی‌تواند عهده‌دار آنها باشد و نمی‌تواند جایگزین خانواده شوند. از این رو، مقاله حاضر با هدف شناسایی تعریف و کارکردهای تربیتی خانواده از منظر قرآن و روایات تدوین شد. روش بررسی در این تحقیق، مطالعه اسنادی بوده و در شناسایی معنای خانواده از معناشناسی و در شناسایی کارکرد تربیتی خانواده از روش تحلیلی بهره‌گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس آیات و روایات، خانواده متشکل از پیوند شرعی میان زن و مرد، فرزندان آنها و خویشاندی نسبی و سببی است. بر اساس همین منابع، خانواده دارای کارکردهایی است که در تربیت اخلاقی و تعلیم اعضای خانواده مؤثر است. همچنین به وجود محبت و مؤدّت میان اعضای خانواده، استمرار ارتباط میان والدین و فرزندان و نوع ارتباط میان خانواده و فرزندان به گونه‌ای است که مشکلات و کاستی‌های ناشی از آموزش‌های مدرسه را برطرف کند. از سویی به دلیل انجام عملی بسیاری از موارد اخلاقی و دینی توسط خانواده، تأثیرگذاری آنها بر فرزندان بیش از مدرسه خواهد بود. در مجموع خانواده کارکردهای تعلیمی و تربیتی اخلاقی و دینی برای اعضای خود دارد که مدرسه نمی‌تواند جایگزین آن باشد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، تربیت، تعلیم، قرآن، روایات



۱. مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی که متشکل از زن، مرد، فرزندان و دایره‌ای گسترده‌تر، خویشان و پیوندهای نسبی و سببی اعضای پایه‌ای آن است، دارای وظایف متعدد است. در سال‌های اخیر شکل‌های گوناگونی از خانواده همچون خانواده هم‌جنس‌گرا، خانواده انسان و حیوان و... در سطح وسیعی به وجود آمده است و این مسأله منجر گردیده تا صاحب نظران به دنبال تعریف دقیق و اعضای تشکیل دهنده این نهاد اجتماعی باشند. این امر در حوزه مکاتب دینی و آیینی خصوصاً اسلام نیز وجود دارد. با این همه بررسی‌ها نشان می‌دهد که محققان دینی و خانواده تلاش چندانی برای تعریف خانواده از منظر قرآن و اسلام نکرده‌اند. با شناسایی دامنه تعریف خانواده در اسلام و قرآن، محدوده پذیرش شکل‌های جدید در آن مشخص خواهد شد.

از سویی این نهاد اجتماعی دارای وظایفی است که تداوم حیات و پایداری نهاد خانواده را به همراه دارد و همین امر بر کارکردی بودن این واحد اجتماعی دلالت می‌کند (سیار و اقلیما، ۱۳۹۲). متفکران معتقدند که با ظهور نهادهای گوناگون اجتماعی هم‌چون مدرسه، مهد کودک و... بسیاری از وظایفی که خانواده بر عهده داشته، واگذار کرده است و همین امر باعث گردیده تا بنیان خانواده متزلزل شود و در آینده‌ای نه‌چندان دور واحدی به نام خانواده وجود نداشته باشد. در حالی که نهاد خانواده، کارکردهایی دارد که هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند جایگاه آن را بگیرد و اهمیت این وظایف و کارکردها به گونه‌ای بوده که از توجه ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های مختلف از جمله اسلام را به خانواده افزایش داده است (کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴).

از منظر اسلام خانواده به عنوان نهاد تأثیرگذار، از جایگاه والایی برخوردار است و یکی از نهادهای زیربنایی و ساختاری اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌آید که هم‌گام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند، گام برمی‌دارد. از دیدگاه اسلام، خانواده سنگ‌بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸) و هم‌چنین یکی از محوری‌ترین محیط‌های تربیتی است که در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرد نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ که والدین در آن نقش اساسی و سرنوشت‌سازی در زندگی فرزندان‌شان بر عهده دارند (کرامتی و همکاران، ۱۳۸۴). همین امر به دلیل با اهمیت بودن خانواده در ایران و جامعه اسلامی بیشتر نمایان می‌شود.

خانواده با این ویژگی، کارکردهای متنوعی در شأن مختلف اجتماعی از جمله کارکرد تربیتی دارد و در عین حال نقش تعیین کننده‌ای در قوام شاخص‌های تربیتی به خصوص شاخص‌های دینی ایفا می‌کند (زمانی، ۱۳۸۶).

اهمیت شناسایی وظایف و کارکردهای خانواده خصوصاً کارکردهای تربیتی آن، به گونه‌ای است که تحقیقاتی در این زمینه از منظر اسلام انجام شده است. آقایی زاده (۱۳۸۵) با بررسی جایگاه خانواده و کارکردهای آن در فمینیسم و همچنین جایگاه خانواده در قرآن، به این نتیجه می‌رسد که فلسفه تشکیل خانواده در قرآن آرامش و دستیابی به آرامش است و این متفاوت از تشکیل خانواده در فمینیسم است. بستان (۱۳۸۸) کارکردهای خانواده را از منظر فمینیسم و اسلام مورد بررسی قرار داده و در نهایت اعلام داشته که اسلام نگرش‌های مثبتی نسبت به کارکردهای خانواده دارد. ولیکن در این تحقیق کمتر به کارکردهای تربیتی به صورت خاص توجه شده است. کوتیانی (۱۳۸۸) به بررسی رویکرد اسلام به چهار کارکرد خانواده که شامل تنظیم روابط جنسی، حمایت و مراقبت، عاطفی و همراهی و کارکرد جامعه‌پذیری است، پرداخته و در آن کارکرد تربیتی را مورد توجه قرار نداده است. تحقیقاتی از این دست، از منظر اسلام به شناسایی کارکردهای خانواده پرداخته‌اند و آن را با فمینیسم مقایسه کرده‌اند اما هیچ کدام به صورت مستقیم آیات قرآنی و روایات و به ویژه کارکردهای تربیتی خانواده در قرآن را مورد توجه قرار نداده‌اند. این در حالی است که دین اسلام بر تربیت انسان و رشد آن تأکید فراوان دارد. بر این اساس شناسایی کارکردهای تربیتی خانواده و همچنین تعریف دایره خانواده در قرآن و روایات، چارچوب خانواده را مشخص ساخته و اصول تربیتی در جهت رشد انسان را به درستی مشخص می‌کند. بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

شناسایی تعریف خانواده در قرآن و روایات؛

شناسایی کارکردهای تربیتی خانواده در قرآن و روایات؛

شناسایی جایگاه مدرسه در کارکرد تربیتی و جایگزینی آن به جای خانواده.

۲. روش شناسی

از آنجا که تحقیق حاضر به دنبال شناسایی تعریف و کارکرد تربیتی خانواده در منابع اسلامی (قرآن و روایات) بوده، در نتیجه از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. محقق در حوزه شناسایی تعریف خانواده از روش معناشناسی و در مرحله شناسایی کارکردهای تربیتی خانواده از روش تحلیلی بهره برده است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. تعریف خانواده در قرآن و روایات

قرآن تعریف مستقل و مشخصی در خصوص خانواده مطرح نکرده است ولیکن واژگان لغاتی در آن است که به خانواده ارتباط می‌یابد.

یکی از واژه‌هایی که در قرآن بارها به کار رفته و بار معنایی خانواده را دارد، «اهل» است. معنی این واژه با توجه به همراهی مضاف الیه‌های آن متفاوت می‌شود. هر گاه واژه اهل در قرآن به افراد نسبت داده شده باشد و یا به ضمیری اضافه گردد که به آن شخص باز می‌گردد، بار معنایی خانواده خواهد داشت، هر چند در برخی از موارد، اهل و مضاف الیه آن خاندان است. بنابراین با در نظر داشتن کاربرد اهل در آیات قرآن می‌توان به تعریف قرآن در خصوص خانواده نزدیک شد (بهرامی، ۱۳۸۶). آیه ۴۰ سوره هود «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ: تا آن گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت با کسانت مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده‌اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند» و همچنین آیه ۲۷ سوره مومنون «... فَأَرِ التَّنُورَ فَأَسْلُكُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ... تنور به فوران آمد پس در آن از هر نوع [حیوانی] دو تا [یکی نر و دیگری ماده] با خانواده‌ات بجز کسی از آنان که حکم [عذاب] بر او پیشی گرفته است وارد کن ...». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است که خانواده (به جز همسر و پسر) و کسانی که ایمان آورده‌اند را بر کشتی سوار کن، در نتیجه اهل در آیه نیز اشاره به خانواده دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴). نمونه دیگر، آیه ۱۳۲ سوره طه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا لَنْ نَرْزُقَكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى: و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است»؛ مراد از اهل، به دلیل مکی بودن آیه، فقط خدیجه (س) همسر پیامبر و علی (ع) و یا بعضی از دختران آن حضرت است و می‌فرماید: اهل خود را به نماز دستور ده ... (طباطبایی، ۱۳۷۴) در این آیات واژه «اهلک» نیز به معنی کسانت و به معنای خانواده و اعضای آن است.

از منظر قرآن دایره‌ای که به عنوان اعضای خانواده جای می‌گیرند کاملاً مشخص است. عضویت همسر در خانواده بر مبنای در آیه ۳۳ سوره عنکبوت «وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أَمْرًا تَكُنُ مِنَ الْغَابِرِينَ» تأیید می‌شود با آوردن عبارت امرأ در «تَنْجِيْنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرًا تَكُنُ مِنَ الْغَابِرِينَ» (همان) نوع رابطه میان زن و مرد از حیث تشکیل خانواده را مشخص کرده است و به زنی گفته می‌شود که با مرد پیوند شرعی زناشویی داشته باشند.

همچنین، آیه ۲۱ سوره نساء «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» شماری از بایدهای روابط خانوادگی را مطرح کرده و پیوند زناشویی بین زن و مرد را میثاق غلیظ نامیده است. با بیان این لفظ به اصول پیوند میان زن و مرد نیز اشاره می‌کند که با برقراری این پیوند، حقوق، تعهدات و وظایفی همچون نفقه، مهریه، محبت به یکدیگر و ... مطرح می‌شود.

بر طبق آیات، فرزندان نیز، جزئی از خانواده به شمار می‌آیند. در آیه ۴۵ سوره هود «وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ: و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا بپسرم از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی» این مساله تأکید شده است.

قرآن در خصوص جنسیت فرزندان هیچ ممنوعیتی در عضویت دختر و پسر در خانواده ایجاد نکرده است. چنانچه در آیه ۱۲ سوره تحریم گفته است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا الظَّاهِرُ» و هم چنین در آیه ۱۶ سوره مریم «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا» و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت» فرزند دختر را جزء خانواده دانسته است. بر اساس موارد ذکر شده، خانواده در قرآن شامل، همسر، فرزندان دختر و پسر، همسران و فرزندان آنها است. از منظر قرآن کریم، انسان‌ها طوری آفریده شده‌اند که گرایش به همسر و تشکیل خانواده در سرشت و فطرت آنها وجود دارد و اصولاً خلقت انسان‌ها جفت است و هیچ مرد و زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَوَخَّلْنَاكُمْ أزْوَاجًا: ما شمارا جفت جفت آفریدیم» (نبا/۸). قرآن با اینگونه تعبیرات در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره می‌کند و منشأ جفت‌گرایی را طبیعت بشر می‌داند. خداوند زن و مرد را مکمل هم قرار داده است؛ بنابراین از منظر قرآن روی آوردن به تشکیل خانواده، ریشه در طبیعت بشر دارد و نه تنها برخلاف نظر برخی از نظریه پردازان، منشأ این تمایل، حس استخدام طلبی بشر نیست، بلکه ناشی از عواطفی بسیار قوی است که انسان را از خودخواهی به دگرخواهی می‌رساند و همین امر باعث استحکام خانواده می‌شود (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

در مجموع این نتیجه به دست می‌آید که براساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای از افراد با رابطه‌های سببی و نسبی است و همچنین گروهی متشکل از دو رکن اصلی مرد و زن است، که در سایه ضوابط مشروع و الهی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و روابطشان را نکاح تشکیل می‌دهد و نکاح، عقد یا پیمانی است که بر اساس آن، رابطه زوجیت مشروع می‌شود (قائمی، ۱۳۹۲).

۲،۳. کارکرد تربیتی خانواده در قرآن و روایات

یکی از وظایف اساسی خانواده علاوه بر دنیا آوردن فرزندان، توجه به مسائل تربیتی آنهاست. خانواده با فراهم کردن محیط مساعد، امکانات و شرایط مناسب و نظارت بر تربیت و آموزش فرزندان چنین کارکردی را مهیا می‌سازد (صمدی، ۱۳۸۶، ص. ۸۳).

۱،۲،۳. تربیت اخلاقی و دینی خانواده

خانواده، کانون و نهادی است که برای اعضای آن تربیت و پرورش را به همراه دارد و می‌توان آن را در دو دسته تربیت برای زوجین و تربیت کودکان تقسیم بندی کرد.

۱،۱،۲،۳. تربیت اخلاقی زوجین در خانواده

ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای برای پاک دامنی و پاک دامن زیستن و عاملی برای حفظ پاکدامنی و کسب اخلاق نیک است. رسول خدا(ص) به زیدبن حارثه فرمودند: ازدواج کن تا پاک دامن باشی

(عاملی، ۱۰۸۲ق) و در سخنی دیگر، فرمودند: مردان رازن دهید تا خدا اخلاقشان را نیکو، ارزاقشان را وسیع و جوانمردی‌شان را زیاد گرداند (مجلسی، ۱۳۷۹). در روایتی دیگر، به زنی که گفته بود، دیگر ازدواج نخواهم کرد، فرمودند: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است» (عاملی، ۱۰۸۲ق). در نتیجه ازدواج و تشکیل خانواده، در رشد و تربیت اخلاقی زوجین مؤثر است.

۲،۱،۲،۳. تربیت اخلاقی کودک و فرزندان در خانواده

خانواده اولین محیط برای تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). در قرآن آیات بسیاری آمده که تأکید بر ارائه مسائل اخلاق از طرف خانواده به اعضای خود است. بهترین نمونه آن سوره لقمان است. در این سوره، لقمان به عنوان حکیم و پدر خانواده، بارها فرزند خود را مورد خطاب قرار داده و مسائل تربیتی و اخلاقی را به او می‌آموزد. اولین نمونه آن احترام به والدین است «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي سَامِيٍّ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان/۱۴). میزان احترام به پدر و مادر به اندازه‌ای است که در آیه فوق خداوند آن را هم سان با شکر خود ذکر کرده است و این شکرگزاری تا آنجایی ادامه دارد که پدر و مادر کودک را به کفر اجبار نکنند. آموزش اهمیت صبر و انتقال آن به عنوان عاملی در برخورد با مشکلات و مصائب زندگی و تربیت فرزندان صبور (لقمان/۱۷) همچنین ایمان داشتن به خدای بزرگ، برپایی نماز و برپایی امر به معروف و نهی از منکر (لقمان/۱۳ و ۱۷)، برخورد صحیح و دوری از تکبر، معتدلانه راه رفتن، غرور نداشتن، به آرامی سخن گفتن و تقوا پیشه کردن (لقمان/۱۷ و ۳۳) همگی از مواردی است که در این سوره لقمان به فرزندش آموزش داده است. همین امر حکایت از انتقال مفاهیم اخلاقی، تربیتی از سوی خانواده چه به صورت لفظی و چه به صورت عملی به اعضای آن را دارد. همچنین قرآن بر امر و ترغیب فرزندان به مسائل دینی و نصیحت تأکید دارد «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود» (مریم/۵۵).

خداوند در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ آمِنُوا قُلُوبَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانی که از آتشی که سوخت آن مردم و نگاه است، حفظ کنید. بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده‌اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند» (تحریم/۶) بر اهمیت تربیت اعضای خانواده و گسترش امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته‌اند و به مؤمنان دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگاهدارند؛ نگهداری خانواده، نیازمند تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۵۲).

آموزش تعالیم و مفاهیم دینی توسط خانواده خصوصاً والدین، در روایات نیز مورد تأکید قرار

گرفته است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد. روز قیامت پدر و مادر او را فرا می‌خوانند و دو جامه بر آن دو می‌پوشانند که از نور آن چهره‌های بهشتیان روشن می‌شود» (صدوق، ۳۰۵، ق، ص. ۴۱۲).

اهمیت آموزش تعالیم دینی و انتقال این مفاهیم از سوی خانواده به فرزندان به آن میزان است، که اگر والدین و خانواده این آموزش را ترک کنند، کیفر خواهند دید. چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وای بر فرزندان آخر الزمان از ناحیه پدرانشان!» از ایشان پرسیده شد: ای رسول خدا! آیا از آن روی که پدرانشان مشرک‌اند؟ حضرت فرمودند: «نه، بلکه از پدرانی که مؤمن‌اند و به فرزندان‌شان چیزی از واجبات دینی نمی‌آموزند، بلکه آنان را از آموختن منع می‌کنند و به سود اندکی از دنیا از فرزندانشان به ایشان می‌رسد، رضایت می‌دهند و من از آن‌ها بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.» (شعیری، ۱۳۶۳).

در خصوص زمان آغاز تربیت، حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرموده است: «فرزندم، قبل از این که دل نرم تو سخت، و فکرت مشغول شود، من به تربیت تو اقدام کردم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) تعلیم و تربیت در خانواده و طی مراحل انجام می‌شود. همانطور که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) از مجموع روایات می‌توان دریافت که والدین باید به کودک خود از سه سالگی ذکر «لا اله الا الله» و از چهار سالگی ذکر «محمد رسول الله» را بیاموزند. همچنین در پنج سالگی او را به قبله متوجه کنند و از شش سالگی سجده و رکوع را به او یاد دهند. از هفت سالگی نیز شیوه وضو گرفتن به کودک نشان دهند و او را به نماز گذاران امر کنند. البته نباید نقش زمان و مکان را در القای این آموزه‌های دینی نادیده گرفت (سید میرزایی، شاهرخی و قطبی، ۱۳۸۹).

۲،۲،۳. تعلیم اخلاقی خانواده

خانواده اولین محیط برای تعلیم اعضای آن است. جمله «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا: از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید» (روم، ۲۱) اشاره به این کارکرد تربیتی خانواده دارد. بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است. انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و تکامل او در گرو ارتباط با دیگران و سختی‌ها و مشکلات این مسیر است و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، یک سلسله نیازهای ویژه درونی وجود دارد که خود را در ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان نسبت به خواسته‌ها و ایده‌آل‌های اوست. پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوستی پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲).

در آیه ۱۸۷ سوره بقره «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ: زن و شوهر به مثابه لباس برای یکدیگر هستند.» لباس ویژگی‌هایی هم‌چون پوشاندن معایب و نقص‌ها، ایجاد عزت و بزرگی در فرد، پوشاندن فرد در گرما و سرما را دارد. زن و مردی که با پیمان و میثاق غلیظ با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند، همانند لباسی هستند که یکدیگر را در تمام لحظات همراهی می‌کنند. معایب و نقص یکدیگر را می‌پوشانند

و همزمان با آن، به رشد توانایی طرفین کمک می‌نمایند. علاوه بر اینکه نقص‌ها و معایب در خانواده برطرف می‌شود، کارکرد دیگری که در خانواده وجود دارد، دست یافتن به ویژگی‌هایی است که تا قبل از ازدواج وجود نداشته‌اند، نمونه آن، ایجاد حس احترام و اعتماد به نفس در طرفین است.

۳.۳. شناسایی جایگاه مدرسه در کارکرد تربیتی و جایگزینی آن به جای خانواده

کارکرد دارای تقسیم‌بندی کارکرد مثبت، منفی، کژکارکرد، آشکار و پنهان است. کارکرد پنهان مواردی هستند که غیر عمدی و غیر قابل تشخیص هستند و اگر هم قابل تشخیص باشند به عنوان کارکردهای فرعی تلقی می‌شوند. در خصوص مدارس که به عنوان نهادی مؤثر در تربیت و رشد به شمار می‌آیند، می‌توان کارکردهای آشکار و پنهان آن را مطرح کرد. جامعه‌پذیری کودکان، آموزش حفظ نظم و اطاعت از قوانین، دریافت پاداش در مقابل کار و کوشش، تلاش برای بالابردن اعتماد به نفس در دانش‌آموزان، ایجاد همبستگی اجتماعی در میان دانش‌آموز و گروه‌های دیگر اجتماعی، تربیت اخلاقی و رشد استعدادها و دانش‌آموزان از جمله کارکردهای آشکار تربیتی مدرسه هستند (زارعی، ۱۳۸۷).

تلاش مدرسه، مسئولان و اولیای آن، این است که کارکردهای مزبور را تا حد مناسب در فرزندان ایفا کنند. اما در برخی موارد به دلیل وجود برخی نقایص همچون نبود امکانات مناسب آموزشی، حضور دانش‌آموزان با استعداد در کنار کودکان با نقایص ذهنی، نبود زمان کافی در جهت تعلیم و تربیت، مستمر نبودن ارتباط میان کادر مدرسه با دانش‌آموز و... کارکردهای مثبت به کارکردهای منفی تبدیل می‌شوند. در این حالت ناهنجاری‌ها و کج روی‌هایی در دانش‌آموزان روی می‌دهد. دانش‌آموز با استعداد که می‌تواند در مدرسه رشد کرده و نقایص تربیتی خود را برطرف کند به دلیل برخورد نامناسب یا از دست دادن علاقه درسی خود، از تحصیل فرار می‌کند و به معضلات دیگر اجتماعی روی می‌آورد.

در زمینه تربیتی اخلاقی نیز در مدارس ممکن است مواد ارائه دهنده به دانش‌آموزان با موانع و مسائلی روبرو باشد (مانند در حد حرف باقی ماندن از سوی معلم و تناقض در رفتار متعلمین، عدم پاسخگویی به سوالات دانش‌آموزان در این زمینه، برخورد نامناسب معلم در حیطه تربیتی و اخلاقی با دانش‌آموز و...). در این حالت مدارس از نقش تربیتی که برای دانش‌آموزان ترسیم کرده‌اند، باز مانده و راه را به بیراهه طی کنند. در این حالت اگر تنها مدرسه متولی دانش‌آموز باشد، اتلاف در عمر فرد و نیروهای مؤثر جامعه را به دنبال خواهد داشت. در این مواقع خانواده با حضوری دیگر و با وجود مودتی که در میان اعضایش ایجاد می‌کند، از بروز بسیاری از مسائل منفی تربیتی می‌تواند جلوگیری به عمل آورد.

۴. نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر شکل‌های گوناگونی از خانواده به وجود آمده که لزوم تعریف دقیق از خانواده در دیدگاه‌های متفاوت را بیشتر نمایان می‌سازد. از منظر قرآن و روایات خانواده و اعضای تشکیل دهنده

آن مشخص است. در این منابع خانواده گروه کوچک اجتماعی است که پیوند میان زن و مرد در آن براساس پاکیزگی و شرع است و در دایره عضویت آن فرزندان حاصل از این پیوند نیز قرار می‌گیرند. همواره از منظر اسلام (قرآن و روایات)، رشد و تکامل انسان، حائز اهمیت است. در مسیر رشد و کمال، تربیت و تعلیم یکی از ابزارهایی است که رسیدن به این مهم را ممکن می‌سازد. تعلیم و تربیت افراد جامعه، بیشتر توسط خانواده صورت می‌گیرد. هنگامی که پیوند شرعی در میان خانواده ایجاد گردد، زوجین تلاش می‌کنند تا یکدیگر را رشد دهند و در عین حال، در جهت رشد فرزندان خود گام بردارند. از منظر قرآن و روایات، خانواده در قبال اعضای خود وظایف، کارکردها و نقش‌هایی دارد. که از میان آنها، خانواده خصوصاً در اسلام، به عنوان نهاد تربیتی مهم و مؤثرترین گروه است. در دیدگاه بسیاری از مکاتب، با ایجاد نهادهای متفاوت همچون مهد کودک و مدرسه کارکردهای خانواده در حوزه تربیت کمرنگ شده یا از بین رفته است و خانواده در این برهه نقش مهمی ایفا نمی‌کند. تلاش مدرسه و مسئولان و اولیای آن، این است که کارکردهای مزبور را در حد امکان در فرزندان ایجاد کنند. اما در برخی موارد به دلیل وجود بعضی نقایص این نقش‌ها با کاستی مواجه شده و یا انجام نمی‌شود و عوارض و نتایج منفی به بار می‌آورد. در چنین وضعیتی خانواده به عنوان تکمیل کننده نواقص ایجاد شده، نقش اثرگذار و مناسبی را ایفا خواهد کرد.

همچنین اگر چه خانواده و مدرسه، در برخی از کارکردهای تربیتی با یکدیگر مشترک هستند ولیکن به دلیل نوع ارتباط میان اعضا در خانواده (وجود مودت و محبت) و انجام وظایف تربیتی و اخلاقی به صورت عملی از سوی والدین، تأثیرگذاری و میزان یادگیری آن در فرزندان بیشتر خواهد بود. این در حالی است که مدرسه، به دلیل اشتغال فراوان متولیان آن و به دلیل رسمی بودن پیوند میان اعضا، این دغدغه به طور کامل وجود ندارد. در نتیجه تنها قسمتی از مسئولیت تربیتی را بر عهده گرفته است و خانواده کارکردهای تربیتی دارد که مدرسه نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
آقایی زاده، احمد (۱۳۸۵). خانواده از منظر فمینیسم و قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۴۸، ۱۰-۴۱.
باقری، خسرو و یزدانی، عبدالوهاب (۱۳۸۸). تعلیم و تربیت در دیدگاه تأویلی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۳(۴)، ۳۳-۴۸.
بستان، حسین (۱۳۸۸). کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۳۵، ۳۵-۸۰.
بهرامی، محمد (۱۳۸۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۱۲(۴۸)، ۴۲-۷۷.
چراغی کوتیان، اسماعیل (۱۳۸۸). رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده. معرفت، ۱۳۹، ۳۵-۵۴.
زمانی، علی اکبر (۱۳۸۶). نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی. دانش انتظامی، ۲، ۶۳-۸۶.
سیار، ثریا و اقلیما، مصطفی (۱۳۹۲). مقایسه کارکرد خانواده در خانواده‌های معتاد و غیر معتاد. علوم پیراپزشکی و توان‌بخشی مشهد، ۲، ۳۵-۴۱.

- سید میرزایی، سید داوود؛ شاهرخی، سید علی و قطبی، هادی (۱۳۸۹). آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان. قم: انتشارات احمدیه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- شعیری، محمد بن محمد بن حیدر (۱۳۶۳). جامع الاخبار. قم: شریف رضی.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸). اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده. معرفت اخلاقی، ۱، ۹۱-۱۱۸.
- طباطبایی حکیم، عذرا (۱۳۹۲). خانواده از منظر قرآن. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- طباطبایی، حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی، جلد‌های ۱۶، ۱۸، ۱۵، ۴، ۲. تهران: قم.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۲ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد ۲۰، قم: موسسه آل البیت لإحياء التراث.
- قدردان قراملکی، محمد حسن (۱۳۸۸). تأملی بر کارکرد دین. فلسفه و کلام. ۱(۱)، ۳۵-۷.
- کرامتی، هادی؛ مرادی، علیرضا و کاوه، منیژه (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیما روان‌شناختی فرزندان شاهد. نوآوری‌های آموزشی، ۱۱، ۵۷-۷۵.
- محمد بن علی بن بابویه القمی، شیخ صدوق (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین.
- محمد بن علی بن بابویه القمی، شیخ صدوق (۳۰۵ق). الامالی. ترجمه آیت الله کمره‌ای، تهران: کتابخانه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، جلد ۲۷، تهران: دارالکتاب اسلامی.